

نقش متغیرهای فردی و بین‌المللی در تحقق اهداف سیاست خارجی دولت روحانی برای توسعه اقتصادی ایران

شهرام فرسای*^۱

حاکم قاسمی^۲

بهرام نوازی^۳

قربانعلی قربانزاده^۴

حمید عزیز محمدلو^۵

۱۳۳

چکیده

این مقاله تلاش دارد تا به بررسی نقش متغیرهای فردی و بین‌المللی در تحقق اهداف سیاست خارجی دولت روحانی برای توسعه اقتصادی ایران بپردازد. سؤال اصلی این است که متغیرهای فردی و بین‌المللی چه نقشی را در تحقق اهداف سیاست خارجی دولت روحانی برای توسعه اقتصادی ایران ایفا می‌کنند؟ پاسخ به این سؤال مبتنی بر این فرضیه است که سیاست خارجی ایران در دولت اول ریاست جمهوری روحانی متأثر از "متغیر فردی" به توسعه اقتصادی کشور کمک کرده ولی در دوره دوم روحانی متأثر از "متغیر بین‌المللی" و تغییر اوضاع تأثیرات متفاوتی بر توسعه اقتصادی کشور داشته است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که در دوره اول دولت روحانی که اجماع داخلی در حمایت از انجام مذاکرات ایجاد و شرایط بین‌المللی هم مهیا بود و ایران به توافق هسته‌ای با غرب دست یافت، سیاست خارجی تأثیرات مثبتی بر توسعه اقتصادی داشت اما در دوره دوم و با روی کار آمدن ترامپ، تغییر محیط بین‌المللی (خروج آمریکا از برجام) و در نتیجه شکاف در اجماع داخلی تأثیرات مثبت سیاست خارجی بر توسعه اقتصادی به مرور کاهش یافت. در این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی جمع‌آوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، توسعه اقتصادی، ایران، روحانی



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دهم، شماره

اول، شماره پیاپی

سی و شش

بهار ۱۳۹۹

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ره

* shahramfarsaei@yahoo.com

۲ و ۳. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ره

۵. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ره

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دهم، شماره پیاپی سی و شش، صص ۱۶۶-۱۳۳

مقدمه

رئیس‌جمهور روحانی با شعار رفع سایه تهدیدات علیه ایران، گشودن بازارهای بسته و نیمه بسته و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تغییر رابطه ایران با نظام بین‌الملل به‌ویژه در موضوع هسته‌ای، تلاش برای کاهش تنش با کشورهای همسایه از طریق اتخاذ یک سیاست خارجی تعاملی در انتخابات دوره اول (یازدهم ریاست جمهوری ایران) به پیروزی رسید. دولت یازدهم جهت تحقق شعارهای خود راهکارهایی نظیر اصلاح تصویر امنیتی ایران در عرصه بین‌المللی، ارتقاء مشارکت کشور در نظام بین‌الملل، حضور فعال در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و تنظیم روابط با قدرت‌های بزرگ به منظور خشی کردن تأثیر سیاست‌های سلبی آن‌ها بر کشور را انتخاب کرد. دولت روحانی در شرایطی فعالیت خود را آغاز کرد که کشور در عرصه سیاست خارجی با بیش‌ترین فشار در مقایسه با سال‌های پس از انقلاب اسلامی به سر می‌برد. برنامه هسته‌ای ایران به‌عنوان تهدیدی برای امنیت بین‌المللی شناخته می‌شد. ایران با تحمل سخت‌ترین تحریم‌های هدفمند از سوی سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و آمریکا از حق فعالیت‌های روزمره اقتصادی محروم بود. احتمال حمله نظامی و یا دست‌کم تهدید به حمله نظامی به کشور به‌طور علنی و متناوب مطرح می‌شد. کشور درگیر بالاترین نرخ تورم پس از انقلاب (۴۵٪) توأم با رکود شدید اقتصادی بود به صورتی که ارزش پول ملی در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ حداقل به یک‌سوم کاهش یافته بود (روحانی، ۱۳۹۶: ۱۶۶).

رویکرد فردی روحانی در عرصه سیاست خارجی و دستیابی به توافق هسته‌ای شرایط بین‌المللی را به نفع ایران کاملاً تغییر داد و فرصت‌ها و تاثیراتی برای توسعه اقتصادی کشور داشت (فریدون و قوام، ۱۳۹۷: ۱۸۵). دولت یازدهم، سیاست خارجی خود را اقتصاد محور و هدف اصلی آن را کمک به توسعه اقتصادی از طریق تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل عنوان کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۲۹).

پیروزی روحانی در دوره دوم انتخابات (دوازدهم ریاست جمهوری ایران) همزمان با شکل‌گیری این ایده در خصوص توافق هسته‌ای از سوی برخی از محافل غربی شد که بعد از توافق هسته‌ای نه تنها هیچ علائمی از تغییر در سیاست خارجی ایران ایجاد

نشده و اساساً برجام توافقی ناقص است بلکه به ایران این توانایی را می‌دهد تا غنی‌سازی کند و توانایی آمریکا را برای استفاده از موثرترین ابزارهای مالی و اقتصادی خود برای مقابله با رفتارهای خطرناک ایران محدود سازد. بر همین اساس در تجزیه و تحلیل نهایی آمریکایی‌ها، توافق هسته‌ای مقدمه‌ای برای حل و فصل مناقشات منطقه‌ای نبوده و لذا دیگر سودمند نبود (Zarate, 2015).

برداشت‌های غربی از سیاست خارجی ایران همزمان با پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۶ میلادی شد. در حالیکه دولت اوباما رئیس جمهور سابق آمریکا همزمان با اعمال سخت‌ترین تحریم‌های دو و چند جانبه به توافق هسته‌ای با ایران نائل آمده بود ترامپ توافق هسته‌ای را بدترین توافق و ایران را مهم‌ترین حامی تروریسم که به دنبال بی‌ثبات‌سازی منطقه‌ای است، نامید (یزدام فام، ۱۳۹۵: ۱۵۷). با عدم تمکین ایران در مقابل خواسته‌های ترامپ در خصوص توافق هسته‌ای و خروج آمریکا از برجام، اوضاع منطقه بیش از گذشته ملتهب شد و تحریم‌های اقتصادی علیه آمریکا جمهوری اسلامی ایران فعال گشت.

این مقاله در تلاش است تا به بررسی نقش متغیرهای فردی و بین‌المللی در تحقق اهداف سیاست خارجی دولت روحانی در دوره‌های یازدهم و دوازدهم ریاست جمهوری برای توسعه اقتصادی ایران پردازد. برای این منظور نظریه پیوستگی جیمز روزنا به دلیل اهمیتی که برای عامل فرد (اندیشه و شخصیت تصمیم‌گیر) و محیط بین‌المللی قائل است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. چهارچوب روزنا این امکان را به صورت روشمند فراهم می‌سازد تا مجموعه‌ای از متغیرها را در دو سطح فردی و بین‌المللی برای تحلیل سیاست خارجی ایران در دولت‌های یازدهم و دوازدهم مورد بررسی قرار دهیم (روزنا، ۱۳۸۴).

سؤال اصلی این است که متغیرهای فردی و بین‌المللی چه نقشی را در تحقق اهداف سیاست خارجی دولت روحانی برای توسعه اقتصادی ایران ایفا می‌کنند؟ پاسخ به این سؤال مبتنی بر این فرضیه است که سیاست خارجی ایران در دولت اول ریاست جمهوری روحانی متأثر از "متغیر فردی" به توسعه اقتصادی کشور کمک کرده ولی در دوره دوم ریاست جمهوری روحانی متأثر از "متغیر بین‌المللی" و تغییر اوضاع، تأثیرات

متفاوتی بر توسعه اقتصادی کشور داشته است. در دوره اول روحانی که اجماع داخلی در حمایت از انجام مذاکرات ایجاد شد و شرایط بین‌المللی هم مهیا بود با تاثیرگذاری "متغیر فردی" و با دستیابی به توافق هسته‌ای، سیاست خارجی تأثیرات مثبتی بر توسعه اقتصادی داشت اما در دوره دوم و با روی کار آمدن ترامپ، تغییر محیط بین‌المللی، خروج آمریکا از برجام و "تاثیرگذاری متغیر بین‌المللی" و در نتیجه شکاف در اجماع داخلی آثار مثبت سیاست خارجی بر توسعه اقتصادی کاهش یافت. برای آزمون این فرضیه با روش توصیفی و تحلیلی از طریق جمع‌آوری داده‌ها به شیوه‌های مختلفی نظیر کتابخانه‌ای و با بهره‌مندی از اینترنت و دستیابی به برخی گزارش‌های آماری، متغیرهای فردی و بین‌المللی در تحقق اهداف سیاست خارجی برای توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گیرد.

۱. ادبیات و سوابق پژوهشی تحقیق

مقالات و کتبی به شرح ذیل در خصوص این مقاله نوشته شده است:

- ۱- حسین پوراحمدی (۱۳۸۹) کتاب "دیپلماسی نوین: جستارهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران" را گردآوری کرده که مطالب مفیدی در مورد دیپلماسی اقتصادی ایران در آن یافت می‌شود.
- ۲- محمود واعظی، علی جنتی و دکتر مسعود کرباسیان (۱۳۹۳) مجموعه‌ای تحت عنوان راهبرد سیاست خارجی برای ارتقای جایگاه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در شرایط جدید بین‌المللی مجموعه‌ای را تهیه کرده‌اند. این مجموعه با بررسی وضعیت اقتصادی کشورهای چین، ترکیه و مالزی به تبیین و تشریح ویژگی‌های سیاست خارجی دوره‌های نهم و دهم ریاست جمهوری ایران پرداخته و وضعیت تعاملات اقتصادی ایران در پایان دولت دهم را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد.
- ۳- گرجی (۱۳۷۸) در مقاله‌ای به بررسی مقایسه‌ای از تأثیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی در رشد اقتصادی پرداخته است. پرسش اساسی و محوری اینکه آیا بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی عملکرد بهتری داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش از الگوی رشد نئوکلاسیک استفاده شده است. در کنار این موضوع به عوامل

مؤثر و محیط مناسب جهت رشد سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی نیز اشاره شده است. نتیجه به دست آمده این را نکته تأکید می‌کند که بخش خصوصی عملاً نقش مؤثرتری در رشد اقتصادی ایفا می‌کند، اما می‌بایست اذعان نمود که بقای این بخش منوط به ایجاد محیط امن و با ثبات اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی دولت است، همچنین نیروهای آموزش‌دیده، آزادی سیاسی و فضای باز فعالیت‌های اقتصادی (دنباله‌روی از اقتصاد بازار آزاد) می‌تواند شرایط مساعدتری برای رشد بخش خصوصی فراهم آورد.

۱۳۷



نقش متغیرهای فردی و بین‌المللی در تحقق اهداف سیاست خارجی دولت روحانی برای توسعه اقتصادی ایران

۴- ضیاءالدین صبوری و تاج‌الدین صالحیان (۱۳۹۶) در مقاله بررسی راهبردی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مطالعه موردی: دولت یازدهم و دوازدهم با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای، ضمن تشریح موضوع و بیان ویژگی‌های یک سیاست خارجی توسعه‌گرا، به مهم‌ترین موانع و نواقص پیش روی دیپلماسی اقتصادی در دولت روحانی (دولت‌های یازدهم و دوازدهم) پرداخته و پیشنهادات و راهکارهای خود را جهت رفع آن‌ها بیان کرده‌اند. در این مقاله دیپلماسی اقتصادی در دولت‌های یازدهم و دوازدهم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۵- مهدی شاپوری و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله نسبت امنیت و توسعه: الزامات سیاست خارجی بر این اعتقاد هستند که چگونگی مفهوم‌سازی و نوع نگاه به رابطه امنیت و توسعه، نقش مهمی در پیکربندی سیاست خارجی و دستاوردها و ناکامی‌های آن ایفا می‌کند. وی استدلال می‌کند که در زمانه کنونی با توجه به گسترش دستور کار امنیت و غلبه رویکرد ایجابی به امنیت بر نگاه سلبی به آن، بین امنیت و توسعه رابطه‌ای مبتنی بر حاصل جمع مثبت حاکم است و بدون وجود یکی از آن‌ها، دیگری به خطر می‌افتد. در نتیجه این تحول، فاصله‌گرفتن سیاست خارجی از نگرش امنیت‌محور و پیگیری توأمان امنیت و توسعه ضرورتی انکارناپذیر است. تجربه نشان می‌دهد کشورهایی که در این زمینه ناکام بوده‌اند و یا به‌طور جدی در این راستا تلاش نکرده‌اند، امنیت شکننده‌تری دارند.

۶- مسعود موسوی شفقانی (۱۳۹۵) در مقاله توسعه، گمشده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران معتقد است اگر افق دید خود را از سطح خاورمیانه و بحران‌های

امنیتی مزمّن آن فراخ‌تر ساخته و تصویری کلان از جهان را تصور کنیم، خواهیم دید که توسعه برون‌گرایانه به وجه غالب نظام بین‌الملل تبدیل شده و بنیان مشروعیت نظام‌های سیاسی را با پیشرفت اقتصادی و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان پیوند زده است. در چنین فضایی شرط توفیق برنامه‌های توسعه ملی ایجاد تعامل پویا و هم‌افزا میان ظرفیت‌ها و ضرورت‌های داخلی برای توسعه (درونزا) از یک‌سو و الزامات ناشی از روندهای پر قدرت اقتصاد جهانی (برونگرایی) از دیگر سو است. سیاست خارجی، محل و ابزار ایجاد تعامل مزبور است. آیا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران این تعامل را برقرار کرده است؟

۷- عبدالله قنبرلو (۱۳۹۲) در مقاله تعامل استراتژی اقتصادی و سیاست خارجی در ایران معاصر به تعامل نقش استراتژی توسعه اقتصادی در سیاست خارجی ایران طی سده اخیر می‌پردازد. فرضیه او این است که انگیزه مدرنیزاسیون و توسعه اقتصادی از عوامل مهم انعطاف‌پذیری سیاست خارجی ایران بوده است، هرچند که دغدغه استقلال و امنیت ملی در سیاست خارجی به تمایل نسبتاً پررنگ سیاست‌گذاران ایران به استراتژی جان‌شینی واردات منجر شده است. دولت‌های حاکم بر ایران معمولاً از استراتژی جان‌شینی واردات به مثابه پل ارتباطی بین دو دغدغه توسعه اقتصادی و امنیت ملی استفاده می‌کرده‌اند.

۸- الهه کولایی و طیبه واعظی (۱۳۹۱) در مقاله تحول سیاست خارجی و توسعه اقتصادی در هندوستان، سیر تحول در سیاست خارجی هند را که منجر به توسعه اقتصادی این کشور شده است را بر می‌شمارند. این مقاله بر این باور است که شیفت هند در چند سال گذشته از ایده آلیسم به واقع‌گرایی در عرصه سیاست خارجی باعث تاثیر مثبت سیاست خارجی بر توسعه اقتصادی شده و زمینه توسعه اقتصادی هند را فراهم کرده است.

۹- کتاب "سیاست خارجی توسعه‌گرا" (جمع‌آوری مقالات کنفرانس): معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک با طراحی و اجرای کنفرانس سیاست خارجی توسعه‌گرا در سال ۱۳۸۶ به نوعی هم‌اندیشی پیرامون این سیاست پرداخته و با ارائه دیدگاه‌های مختلف و نقد آن‌ها، گامی جهت تبیین و تشریح این مفهوم

برداشته است. مقالات ارائه شده در این کنفرانس در کتابی با عنوان "سیاست خارجی توسعه‌گرا" چاپ و منتشر شده است. بررسی کتاب مذکور نشان می‌دهد اکثر نویسندگان به بیان مسائل تئوریک توسعه پرداخته و به تاثیرات سیاست خارجی بر توسعه کشورمان پرداخته‌اند.

۲. مباحث نظری

۲-۱. چارچوب پیش تئوری روزنا

به منظور بررسی تاثیرگذاری رویکرد دولت‌های یازدهم و دوازدهم بر توسعه اقتصادی با استفاده از «چارچوب پیش تئوری جیمز روزنا» متغیرهای تاثیرگذار بر سیاست خارجی کشورمان ارزیابی می‌شود. پیش تئوری روزنا (روزنا، ۱۳۸۴)، این امکان را به صورت روشمند به ما می‌دهد تا در سه سطح فردی، ملی و بین‌المللی اعم از مادی و معنایی، متغیرهای حائز نقش در سیاست خارجی (فردی، نقشی، حکومتی، ملی و بین‌المللی) و تاثیر آن بر توسعه اقتصادی کشورمان را مورد بررسی قرار دهیم.

«متغیرهای فردی» ناظر به ویژگی‌های شخصیتی تصمیم‌گیرندگان در حوزه سیاست خارجی است. پیشینه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های گذشته نشان داده است که شخصیت و اندیشه رئیس‌جمهور نقشی اساسی در تعریف، تدوین و تداوم سیاست خارجی آن دولت داشته است. از این‌رو، گفتمان اعتدال‌گرایی حاکم بر سیاست خارجی دولت یازدهم پیش از آنکه ساختار معنایی مشخص داشته باشد، برخاسته از تفکر و ذهنیت رئیس‌جمهور است که نقش تعیین‌کننده در دوام و قوام آن دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۳۶). متغیر «منابع نقشی» به معنای انتظارات خاصی از هر سمتی است. در واقع دایره صلاحیت‌ها و اختیارات آن سمت را نقش می‌نامند. «متغیرهای دولتی بروکراتیک» ناظر بر نظریه‌هایی است که تاکیدشان بر ویژگی‌های ملی است. در این متغیر نوع نظام سیاسی بر سیاست خارجی تاثیرگذار است.

متغیر «ویژگی‌های ملی» ناظر به جامعه ایران فارغ از حکومت است. جامعه ایران به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و ویژگی‌های خاص خود را دارد. مثلاً جامعه ایران تکثرگراست و از قومیت‌های گوناگون تشکیل شده است و این موضوع بر سیاست خارجی ایران

تاثیر می‌گذارد. «متغیرهای بین‌المللی» به معنای این است که بخشی از عوامل تعیین‌کننده در سیاست خارجی معطوف به متغیرهای ساختاری و بین‌المللی خارج از مرزهای ایران است. روزنا در بیان سطوح مختلف در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی، در کنار سطوح خرد، نقش عامل محیطی و بیرونی را نیز در قالب مقدمات و محذورات محیطی به عنوان سطح تحلیل مؤثر می‌داند (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۸). واکنش کشورها یا نهادهای بین‌المللی که بازیگر اصلی پرونده هسته‌ای هستند در برابر ایران حائز اهمیت است. در این مقاله تلاش می‌شود بر اساس نظریه روزنا نقش "متغیر فردی" و "متغیر بین‌المللی" در تاثیرگذاری سیاست خارجی بر توسعه اقتصادی کشور پرداخته شود.

۲-۲. نسبت سیاست خارجی و توسعه اقتصادی

امروزه در بررسی ارتباط میان سیاست خارجی کارآمد و توسعه اقتصادی، اقتصاد سیاسی به‌عنوان علمی بین رشته‌ای بیش از هر زمان دیگری اقتصاد و سیاست را به هم پیوند داده است. بر این اساس مطالعه پدیده‌های سیاسی بدون در نظر گرفتن شرایط اقتصادی مؤثر بر آن و مطالعه پدیده‌های اقتصادی بدون توجه به عوامل اثرگذار سیاسی، نارسا خواهد بود. به عبارت دیگر اقتصاد سیاسی به وجود رابطه‌ای دو سویه بین اقتصاد و سیاست (از جمله سیاست خارجی) توجه دارد. از این رو می‌توان استنباط کرد که بین این دو رابطه‌ای دو طرفه برقرار است (کولایی و واعظی، ۱۳۹۱: ۲۵۱).

سیاست خارجی، طی دهه‌های گذشته نه تنها در میان کشورهای صنعتی بلکه در میان کشورهای در حال توسعه نوظهور به‌عنوان اهرمی برای افزایش ثروت ملی تبدیل شده است. قدرت کشورها دیگر نه در وسعت سرزمین بلکه در افزایش قدرت ملی از طریق ارتقا تولید ناخالص داخلی و قدرت صادرات محاسبه می‌شود. بسیاری از دولت‌ها پس از پایان جنگ سرد از مرحله حفظ تمامیت ارضی و نظام سیاسی خود عبور کرده و سیاست خارجی را وارد فرآیند تولید ثروت، قدرت و توسعه اقتصادی کرده‌اند. در واقع، ضرورت‌های توسعه اقتصادی برای کشور سبب شده تا نه تنها کشورهای توسعه یافته بلکه بسیاری از ممالک در حال توسعه از سیاست خارجی به‌عنوان ابزاری برای ایجاد

فضای امن سیاسی در راستای پیشبرد اهداف اقتصادی از جمله افزایش ثروت ملی استفاده نمایند (سریع القلم، ۱۳۹۰: ۵۰).

از زمان تشکیل دولت‌های مدرن بخش عمده‌ای از وظایف آن‌ها بهره‌گیری از شرایط، ظرفیت‌ها و امکانات موجود در خارج از مرزها برای بهبود شرایط اقتصادی داخلی بوده است. دولت‌ها این وظیفه را از طریق تسهیل روابط تجاری، تأمین مواد اولیه مورد نیاز برای فعالیت صنایع داخلی، انتقال تکنولوژی و سرمایه، تشکیل اتحادیه‌ها و سازمان‌های همکاری و مجموعه وسیعی از اقدامات دیگر، انجام می‌دهند. به دلیل فرصت‌ها و امکانات نهفته در تعاملات خارجی، دولت‌ها همچنین از این ابزار برای تأثیرگذاری بر دولت‌های دیگر استفاده می‌کنند (واعظی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷).

بررسی میزان تأثیر سیاست خارجی بر توسعه اقتصادی در هر کشوری نیازمند تبیین نظری رابطه سیاست خارجی و توسعه اقتصادی و ایجاد سیکلی تعاملی و هم‌افزا میان توسعه ملی، سیاست خارجی و اقتصاد جهانی است. رهیافت متفکران عرصه اقتصادی هم نشان می‌دهد که سیاست خارجی، یکی از مهمترین عوامل توسعه اقتصادی هر کشوری به شمار می‌آید. تنها اختلاف نظر در این زمینه بر سر روش و میزان تأثیرگذاری تجارت خارجی در فرایند توسعه اقتصادی است در این خصوص سه نظریه لیبرالیسم اقتصادی، مرکانتیلیسم و مارکسیسم به تبیین و توضیح اقتصاد سیاسی بین‌الملل پرداخته‌اند (موثقی، ۱۳۸۸: ۱۸۹).

زمانی که متون مربوط به توسعه اقتصادی در کشورمان مطرح می‌شود بیش‌تر به نقش سیاست‌ها و رویکرد دولت‌ها در عرصه داخلی پرداخته شده و "نسبت توسعه اقتصادی با سیاست خارجی" و در واقع اقتصاد سیاسی (به‌عنوان علمی بین‌رشته‌ای اقتصاد و سیاست) کم‌تر پرداخته شده و در خصوص نقش سیاست خارجی در توسعه اقتصادی کشورمان خلا تحلیلی وجود دارد. در این مقاله با برقراری ارتباط سیاست خارجی با توسعه اقتصادی در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری روحانی، نقش متغیرهای فردی و بین‌المللی بر تأثیرگذاری سیاست خارجی بر توسعه اقتصادی ایران مطالعه می‌شود.

۲-۳. نوآوری تحقیق

زمانی که متون مربوط به توسعه اقتصادی در کشورمان مطرح می‌شود بیش‌تر به نقش سیاست‌ها و رویکرد دولت‌ها در عرصه داخلی پرداخته شده و "نسبت توسعه اقتصادی با سیاست خارجی" و در واقع اقتصاد سیاسی (به‌عنوان علمی بین رشته‌ای اقتصاد و سیاست) کم‌تر پرداخته شده و در خصوص نقش سیاست خارجی در توسعه اقتصادی کشورمان خلا تحلیلی وجود دارد.

بررسی مجموعه کتاب‌ها و رساله‌های منتشره گویای این واقعیت است که اولاً در ظرف سال‌های گذشته کتاب و رساله‌ای فارسی در خصوص بررسی نقش متغیرهای فردی و بین‌المللی در تحقق اهداف سیاست خارجی دولت روحانی برای توسعه اقتصادی ایران منتشر نشده است. به عبارتی مقایسه تطبیقی نقش متغیرهای فردی و بین‌المللی در سیاست خارجی ایران در دولت اول و دوم ریاست جمهوری روحانی که باعث یا مانع توسعه اقتصادی کشور باشد، در مقالات یا کتب منتشر شده وجود ندارد. دوم اینکه هر چند مقالات بسیار محدودی به تاثیر سیاست خارجی بر توسعه پرداخته ولی تمامی ابعاد و چرایی تاثیرات سیاست خارجی دولت‌های یازدهم و دوازدهم بر توسعه اقتصادی را نشکافته و بیش‌تر جانب احتیاط را رعایت کرده‌اند. آنچه این تحقیق را از دیگر آثار مشابه فوق‌الذکر متمایز می‌کند بررسی تطبیقی نقش متغیرهای فردی و بین‌المللی در تحقق اهداف سیاست خارجی دولت روحانی برای توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است.

۳. سیاست خارجی دولت روحانی در دوره اول

دولت یازدهم به ریاست روحانی در شرایطی فعالیت خود را آغاز کرد که کشور در عرصه سیاست خارجی با بیش‌ترین فشار در کل سال‌های پس از انقلاب اسلامی به سر می‌برد. برنامه هسته‌ای ایران با اجماع قدرتهای جهانی به‌عنوان تهدید امنیت بین‌المللی شناخته می‌شد و ایران با تحمل سخت‌ترین تحریم‌های هدفمند از سوی شورای امنیت، اتحادیه اروپا و آمریکا، از حق خود در فعالیت‌های روزمره اقتصادی بین‌المللی محروم بود. احتمال حمله نظامی و یا دست‌کم تهدید به حمله نظامی به کشور به‌طور علنی و

متناب و مطرح می‌شد. کشور درگیر بالاترین نرخ تورم پس از انقلاب (۴۵٪) توأم با رکود شدید اقتصادی بود به نحوی که ارزش پول ملی در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ حداقل سه برابر کاهش یافته بود. روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای اروپایی به دلیل تحریم‌ها در کمترین سطح خود قرار داشت و روابط با برخی از مهم‌ترین کشورها نیز کاملاً قطع شده بود. تحریم‌های مختلف علیه ایران یکی پس از دیگری در کنگره آمریکا به تصویب می‌رسید و با اعمال زورمدارانه «فراسرزیمینی» همه کشورها ملزم به رعایت آن‌ها می‌شدند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها تحریم بانک مرکزی ایران بود. علاوه بر قانون کاهش فزاینده خرید نفت از ایران، طرح تحریم خرید نفت ایران هم در دستور کار قرار داشت که می‌توانست صادرات نفت ایران را در مدت کوتاهی به مرز صفر برساند. حسن روحانی با شعار رفع سایه تهدیدات علیه ایران، گشودن بازارهای بسته و نیمه بسته و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تغییر رابطه ایران با نظام بین‌الملل به‌ویژه در موضوع هسته‌ای، تلاش برای کاهش تنش با کشورهای همسایه از طریق اتخاذ یک سیاست خارجی تعاملی در انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری ایران به پیروزی رسید. دولت یازدهم جهت تحقق این اهداف راهکارهایی نظیر اصلاح تصویر امنیتی ایران در عرصه بین‌المللی، ارتقاء مشارکت کشور در نظام بین‌الملل، حضور فعال در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و تنظیم بهینه روابط با قدرت‌های بزرگ به‌منظور خنثی کردن تأثیر سیاست‌های سلبی آن‌ها بر کشور را انتخاب کرد (روحانی، ۱۳۹۶: ۱۶۶).

از نگاه ظریف وزیر امور خارجه دولت یازدهم "روحانی در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری قول داد تا امورات را از طریق اصلاح اساسی سیاست خارجی کشور درمان کند. تغییراتی که او مطرح کرد نمایانگر درک واقع‌بینانه از نظم بین‌المللی معاصر و چالش‌های بیرونی جاری در برابر جمهوری اسلامی بود. روحانی همچنین خواستار گفتمان اعتدال شد" (zarif, 2014). در برنامه پیشنهادی وی به مجلس شورای اسلامی نیز بر محور قرار دادن اقتصاد و توسعه ملی در روابط خارجی به‌عنوان یکی از اجزاء مهم راهبرد کلان سیاست خارجی دولت تأکید گردید (دامن‌پاک، ۱۳۹۷: ۱۱۹).

دولت روحانی، سیاست خارجی خود را اقتصاد محور و هدف اصلی آن را کمک به توسعه از طریق تعامل سازنده در روابط بین‌الملل عنوان کرد. اگر چه تقریباً همه دولتهای پس از انقلاب به‌ویژه پس از پایان جنگ تحمیلی نیاز به توسعه روابط اقتصادی خارجی را احساس کرده و این موضوع را در برنامه‌های سیاست خارجی خود مورد توجه قرار داده‌اند، اما دولت روحانی اولویت ویژه‌ای را به دیپلماسی اقتصادی معطوف داشت (صبوری و صالحیان، ۱۳۹۶: ۱۴۷).

نتیجه این نگاه توسعه‌گرایانه روحانی در سیاست خارجی، توسعه متوازن روابط و مناسبات خارجی ایران با کشورها و مناطق جغرافیایی مختلف شد. از این رو جمهوری اسلامی ایران، روابط دوجانبه و چندجانبه خود را از طریق تعامل معنادار با گستره وسیعی از دولت‌ها و سازمان‌ها، از جمله نهادهای اقتصادی بین‌المللی، بسط داده و تعمیق داد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۲۹).

۴. پیامدها و آثار سیاست خارجی دولت روحانی برای توسعه اقتصادی ایران در

دوره اول

دگرگونی خط‌مشی هشت ساله گذشته حاکم بر سیاست خارجی از سوی روحانی و غلبه توسعه‌گرایی بر سیاست خارجی به معنای اولویت یافتن توسعه اقتصادی و معیشت ملی در سلسله مراتب اهداف سیاست خارجی بود. در این چهارچوب یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی توسعه‌گرا به‌کارگیری سیاست خارجی برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۲۹). رویکرد دولت یازدهم رسماً با توافق جمهوری اسلامی ایران با ۱+۵ در قالب برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۴ جولای ۲۰۱۵) محقق شد و برجام زمینه‌ساز اثرگذاری رویکرد سازنده سیاست خارجی بر توسعه اقتصادی ایران شد. دستیابی ایران به توافق هسته‌ای با غرب و رویکرد توسعه‌ای در سیاست خارجی دولت یازدهم فرصت‌ها و تاثیراتی به شرح ذیل برای توسعه اقتصادی کشور داشت:

۴-۱. گشایش در فضای روابط اقتصادی خارجی کشور

تا قبل از برجام نزدیک به یک دهه بخش قابل توجهی از توان دیپلماسی کشور به مساله هسته‌ای اختصاص یافته بود که با دستیابی به توافق نهایی، ایران از این مساله رهایی یافته و توانست نقش تعیین‌کننده‌تری در معادلات بین‌المللی به‌ویژه در بحران‌های منطقه‌ای ایفاء نماید. برجام خطر به اصطلاح هسته‌ای را از سیاست خارجی ایران حذف کرده و سر خط اخبار منطقه بین‌المللی دیگر نگرانی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران نبود. بدین ترتیب تمرکز ۱۲ ساله غرب بر فعالیت‌های هسته‌ای که در سیاست خارجی ایران تلنبار شده بود و انرژی نخبگان فکری و ابزاری کشور را گرفته بود، از هم پاشیده شد. این امر توانست به آرامش فضای منطقه و خوشبینی و تشویق کشورهای مختلف دنیا به توسعه روابط اقتصادی خود با جمهوری اسلامی ایران کمک نماید (دامن پاک، ۱۳۹۷: ۱۲۰).

۱۴۵



نقش متغیرهای
فردی و بین‌المللی
در تحقق اهداف
سیاست خارجی
دولت روحانی برای
توسعه اقتصادی
ایران

۴-۲. همگرایی اقتصادی منطقه‌ای

در دوره یازدهم ریاست جمهوری دیدگاهی قوی در نخبگان حاکم ایران شکل گرفته بود که یک روش مناسب برای توسعه اقتصادی کشور با توجه به تضادهای موجود بین ایران و غرب، تقویت اتصال منطقه‌ای و ادغام اقتصادی در حوزه همسایگی است (برزگر، ۱۳۹۷: ۱۸۶). اجرای برجام موجب تقویت جایگاه اقتصادی و ژئوپلیتیک ایران در منطقه شده و زمینه حضور قدرتمند اقتصادی ایران با استفاده از دسترسی به سازوکارهای نقل و انتقال مالی منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم ساخت. ایجاد آرامش روانی در فضای اقتصادی ایران توانست به زمینه‌سازی توسعه روابط اقتصادی و تسهیل در تجارت خارجی و منطقه‌ای منجر شود. ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه‌های تجاری - اقتصادی و امنیتی به‌ویژه در جهت توسعه اقتصادی پایدار نیازمند عمل باز قلب اقتصادی منطقه‌ای ایران بود (Torabi, 2016). برجام پیامدهای عمیقی بر معادلات منطقه خاورمیانه به‌ویژه بر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس داشت. ایران از طریق برجام توانست موازنه منطقه‌ای را به نفع خودش به هم بزند (Phillips, 2015). با همین منظر، اتحادیه اقتصادی اوراسیایی به دلیل سابقه ارتباطات فرهنگی و اهمیت

ژئوپلیتیک اعضای آن در چند سال گذشته، مورد توجه سیاست خارجی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. دولت‌های یازدهم و دوازدهم در چارچوب گفت‌وگو با ژئوپلیتیک، عمل‌گرایانه و اقتصاد محور، توجه ویژه‌ای را به گسترش روابط اقتصادی با کشورهای عضو این اتحادیه داشته‌اند.

۳-۴. تبادل هیات‌های اقتصادی و سیاسی

برجام رسماً بایکوت همکاری‌های گسترده اقتصادی تجاری اروپا با ایران را تمام شده اعلام کرد. سفر هیات‌های بلندپایه اقتصادی - سیاسی از آلمان، فرانسه به تهران، اتحادیه اروپا، ایتالیایی، اسپانیا، یونان، اتریش، فنلاند، بوسنی، کرواسی به تهران پس از توافق هسته‌ای بیانگر دوره‌ای جدید از همکاری‌های ایران با کشورهای اروپایی بود (عمادی، ۹۷). بر اساس آمار اعلام شده، در دو سال اول پس از برجام ۲۰ رئیس‌جمهور، ۱۷ نخست‌وزیر، معاون رئیس‌جمهور و رئیس‌مجلس، بیش از ۴۰ وزیر خارجه و ۸ وزیر اقتصادی از ایران دیدار کردند. در همین مدت، قریب به ۳۵۰ هیأت اقتصادی، فرهنگی و تجاری بخش خصوصی و دولتی از ۳۵ کشور از ایران دیدار کردند. سرمایه‌گذاری‌های مشترک، راه‌اندازی خطوط پروازی، اعطای نمایندگی محصولات ایرانی به کشورهای دیگر، امضای تفاهم‌نامه‌های همکاری در زمینه‌های مختلف، گفت‌وگو و عقد قراردادهای تجاری، همکاری در زمینه گردشگری، انجام خدمات فنی و مهندسی از جمله دستاوردهای هیات‌های تجاری بود. (پایگاه خبری بهار، ۹۵/۶/۲) سفر پوتین در نوامبر ۲۰۱۵ به ایران (Ruff, 2016) و سفر رئیس‌جمهور چین به ایران به‌عنوان اولین سفر مقام خارجی به ایران بعد از برجام نشان می‌داد چین و روسیه توافق هسته‌ای را در جهت افزایش چندجانبه‌گرایی در مسائل منطقه‌ای و جلوگیری از نفوذ غرب و تقویت ثبات ارزیابی می‌کردند (Hsu, 2016).

۴-۴. رشد اقتصادی

طبق آمار بانک مرکزی رشد اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۴، به چهار درصد رسید و نرخ تورم به ۱۱/۹ درصد کاهش یافت. این وضعیت بیانگر خروج اقتصاد کشور از رکود و

آغاز مراحل رونق اقتصادی بود (گزارش آمار بانک مرکزی، ۱۳۹۵). آهنگ رشد اقتصاد کشور در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ نیز روند مثبت خود را پی گرفت و در بسیاری از شاخص‌های اقتصادی وضعیت اقتصادی ایران نسبت به دوره تحریم شرایط امیدوارکننده‌ای را نشان می‌داد. طبق گزارش بانک جهانی، لغو تحریم‌ها تولید ناخالص داخلی ایران را به حدود ۵/۱ درصد در سال ۲۰۱۶ و ۵/۵ درصد در سال ۲۰۱۷ رساند (Phillips, 2015). کسری تراز تجاری غیرنفتی به همراه میعانات گازی از ۷,۹- میلیارد دلار در سال ۱۳۹۲ خورشیدی به ۳- میلیارد دلار در پایان سال ۱۳۹۳ بهبود یافت و در سال ۱۳۹۴ این تراز برای نخستین بار در ۳۷ سال گذشته مثبت شد و به یک میلیارد دلار رسید که نسبت به دوره مشابه سال قبل ۴ میلیارد دلار بهبود داشت، همچنین این تراز در سه ماهه نخست سال ۱۳۹۵ به ۱,۵ میلیارد دلار ارتقا یافت (پایگاه خبری بهار، ۹۵/۶/۲).

۴-۵. افزایش صادرات نفت

بعد از امضای برجام، قفل مناسبات خارجی با بسیاری از کشورها گشوده شد و زمینه‌هایی اعم از عادی شدن فروش نفت با حذف دلالتی‌های پر فساد، سرمایه‌گذاری در حوزه‌های انرژی، افزایش گردشگری، عقد قراردادهای گوناگون اقتصادی و تجاری، باز شدن مسیر تعاملات بانکی و توسعه همکاری‌های فن‌آوری به دست آمد. همچنین در سایه تلاش‌های دیپلماسی اقتصادی ضمن رفع موانع حمل و نقل دریایی، هوایی و ریلی، ورود چندین میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و دهها میلیارد دلار قراردادهای تأمین مالی در حوزه‌های اقتصادی، تجاری، زیرساختی حاصل گردید و صادرات نفت از یک میلیون بشکه در سال ۱۳۹۲ به دو و نیم میلیون در سال ۱۳۹۶ افزایش یافت (دامن پاک، ۱۳۹۷: ۱۲۱).

۴-۶. برقراری روابط بانکی

تجارت خارجی ایران پیش از آغاز فعالیت دولت یازدهم از دو عامل اصلی تحریم‌های بین‌المللی و افزایش نرخ ارز تاثیر می‌پذیرفت. از طرفی، تحریم‌ها به‌ویژه در حوزه بانکی

امکان مبادلات تجاری مانند گشایش اعتبارات اسنادی را با مشکل مواجه کرده و از طرف دیگر به دلیل نبودن تعادل در عرضه و تقاضای ارز، نرخ ارز افزایش یافته بود. متعاقب تسلط رویکرد روحانی بر عرصه سیاست خارجی، دستیابی به توافق هسته‌ای موجب شد تا ضمن اتصال مجدد به سوئیت و امکان گشایش اعتبار اسنادی و لغو تحریم‌های بانکی ایران، صدها تفاهم‌نامه و توافق‌نامه اقتصادی با کشورهای مختلف جهان در فضای پس‌برجام منعقد و ۱۲ میلیارد دلار از دارایی‌های بلوکه شده ایران در سه مرحله ۲،۴، ۲،۸ و ۴،۸ میلیارد دلار آزاد شود و ایران با بیش از ۴۰۰ بانک خارجی ارتباط تجاری برقرار کند. به این ترتیب روابط بانکی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای مختلف جهان هر چند به صورت ناپایدار و موقت برقرار گردید.

۴-۷. جذب سرمایه‌گذاری خارجی

با لغو تحریم‌های بین‌المللی شرکت‌های تجاری و صنایع بزرگ جهانی به دلیل بازار ۸۰ میلیونی ایران، نیروی انسانی با تجربه، ثبات سیاسی و منابع غنی انرژی، تمایل خود را برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی ایران ابراز داشتند. یک سال بعد از امضای برجام فقط ۲،۵ میلیارد دلاری مجوز سرمایه‌گذاری خارجی صادر شد و پس از رفع تحریم‌ها جرات حضور سرمایه‌گذاران خارجی در ایران بیشتر شد. شاخص‌های بین‌المللی حکایت از آن داشت که ایران در بخش فضای کسب و کار از رتبه ۱۴۴ در سال ۲۰۱۲ میلادی به ۱۱۸ رسیده و این شاخص مهم نشان می‌داد که فضای کسب و کار ایران برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی جذابیت بیشتری پیدا کرده است (پایگاه خبری بهار، ۹۵/۶/۲)

۴-۸. تاثیر بر شاخص توسعه انسانی

برنامه توسعه سازمان ملل در گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۷ کشورها (این گزارش در سال ۲۰۱۸ منتشر شده)، به بررسی میزان درآمد سرانه ملی در ۱۸۹ کشور جهان از جمله ایران پرداخته است. طبق شاخص توسعه انسانی، درآمد سرانه ملی ایران بر اساس شاخص قدرت خرید، از ۱۱۴۰ دلار در سال ۱۹۹۰ به ۱۹۱۳۰ دلار در سال ۲۰۱۷

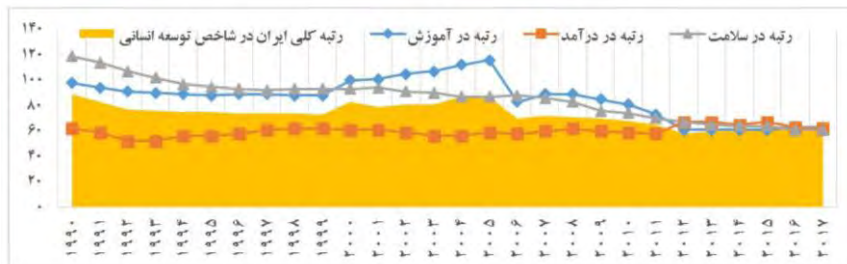
رسیده است. بر این اساس، شاخص توسعه انسانی ایران^۱ ۰/۷۹۸ است درحالی‌که این میزان در سال ۲۰۱۲ میلادی ۰/۷۸۱ است. از سال ۱۹۹۰ تاکنون رتبه ایران بر اساس شاخص توسعه انسانی رو به بهبود بوده و از رتبه ۸۹ در سال ۱۹۹۰ به رتبه ۶۰ در سال ۲۰۱۷ ارتقا یافته است. جهش‌های قابل توجه درآمد سرانه با وضعیت اقتصادی سیاسی کشور ناشی از افزایش صادرات و فروش نفت پس از برجام و کاهش صادرات و فروش نفت کشور در نتیجه تحریم بود (Human_development, 2018: 23).

شاخص / سال		1990	1996	2004	2012	2017
توسعه انسانی	رتبه	89	74	87	58	60
	امتیاز	0/577	0/647	0/691	0/781	0/798
آموزش	رتبه	98	89	112	61	63
	امتیاز	0/397	0/493	0/546	0/731	0/741
درآمد	رتبه	62	58	56	67	62
	امتیاز	0/716	0/732	0/760	0/773	0/794
سلامت	رتبه	119	93	87	67	61
	امتیاز	0/674	0/750	0/794	0/843	0/864

جدول فوق شاخص توسعه انسانی و زیر شاخص‌های آن را از سال ۱۹۹۰ و بعد از آن به تفکیک سال‌های پایان دوره‌های ریاست جمهوری نشان می‌دهد.

۱. از منظر شاخص‌های سه‌گانه شامل امید به زندگی، کیفیت آموزشی و درآمد سرانه از عدد صفر تا یک محاسبه می‌شود که هر چه این شاخص به عدد یک نزدیک‌تر باشد، نشان از توسعه یافتگی بیشتر است.

تغییرات رتبه ایران در شاخص توسعه انسانی



۱۵۰

۹-۴. تحولات در حوزه پولی

پیش از برجام تحریم‌های وضع شده علیه کشور موجب شده بود امنیت اقتصادی کشور در حوزه‌های مختلف در وضعیت نامطلوبی قرار گیرد. تورم بالا، رشد گسیخته پایه پولی و نقدینگی، ناتوانی بانک‌ها در ارائه اعتبار و تسهیلات به تولیدات، شرایط نامناسب بورس، از ویژگی دوره قبل از امضای برجام بود. شرایط پولی و مالی کشور تضمین‌کننده رشد اقتصادی کشور نبود. اجرای برجام و گشایش‌های اقتصادی ایجاد شده در حوزه‌های نفتی، بانکی، بیمه‌ای، پولی باعث شد تا روند کاهش نرخ تورم در خرداد ماه سال ۱۳۹۵ نرخ تورم تک رقمی ۹/۷ درصد را تجربه نماید (بامری، ۱۳۹۷: ۵۰).

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه
پژوهش‌های
روابط بین‌الملل،
دوره دهم، شماره
اول، شماره پیاپی
سی و شش
بهار ۱۳۹۹

۵. سیاست خارجی دولت روحانی در دوره دوم ریاست جمهوری

روحانی با تاکید بر اینکه برجام آغازگر شکل‌گیری فضای تعامل ایران با دنیا است در دوره دوازدهم ریاست جمهوری ایران به پیروزی رسید. پیروزی وی در دوره دوم انتخابات همزمان با شکل‌گیری ایده‌ای در خصوص برجام از سوی برخی از محافل غربی شد. برخی تحلیل‌گران بین‌المللی بر این باور بودند که بعد از برجام هیچ علائمی از تغییر در سیاست خارجی ایران دیده نمی‌شود. این دیدگاه به حمایت ایران از بشار اسد، تداوم آزمایش موشک‌های بالستیک، خریداری سامانه‌های جدید نظامی از روسیه، تبدیل ایران به بازیگر چالش برانگیز منطقه‌ای، تلاش ایران جهت دستیابی به تکنولوژی‌های مدرن موشکی و تحویل آن به متحدان منطقه‌ای‌اش، فعال‌تر شدن

گشت‌زنی نیروی دریایی ایران و انجام اقدامات تحریک‌آمیز در خلیج فارس تاکید می‌کند. طبق این دیدگاه ایران از منابع مالی اضافی خود جهت استخدام جنگجویان شیعی کشورهای مسلمان برای جنگ در سوریه و حمایت از بشار اسد و همچنین حمایت‌های بیش‌تر از گروه‌های معاند در بحرین استفاده کرده و همچنین ایران به قطب انرژی و تجاری منطقه تبدیل شده به گونه‌ای که توان آمریکا را برای اعمال فشارهای اقتصادی در صورت عدم اجرای توافق هسته‌ای تضعیف کرده است (Katzman, 2016).

لغو تحریم‌های مالی علیه ایران طبق برجام، منابع مالی قابل توجهی در اختیار تهران قرار داده که می‌تواند از طریق آن در جهت سیاست‌های منطقه‌ای از آن استفاده نماید. مائو لویت عضو مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک در این خصوص می‌گوید "رفع تحریم‌ها موجب هجوم نقدینگی ایران به سمت حمایت از حزب الله شده است. برخی کشورهای عربی اینگونه استدلال می‌کنند که دلارهای حاصل از توافق در بحران‌های منطقه‌ای از جمله در سوریه و یمن خرج شده است" (levit, 2016).

همزمان این ایده شکل گرفت که برجام اساساً توافقی ناقص است چرا که به ایران این توانایی را می‌دهد تا غنی‌سازی کند و در نهایت توانایی آمریکا را برای استفاده از موثرترین ابزارهای مالی و اقتصادی خود برای مقابله با رفتارهای خطرناک ایران محدود می‌کند. بر همین اساس در تجزیه و تحلیل آمریکایی‌ها، برجام اگر مقدمه‌ای برای حل و فصل مناقشات منطقه‌ای نباشد، سودمند نیست (Zarate, 2015).

بدین ترتیب در دوره بعد از امضای توافق هسته‌ای، کارشکنی‌های منطقه‌ای ایران به معنای اخلال در روند اجرای برجام نمایانگر تفسیر شد و اینگونه بازتاب یافت که اگر ایران همچنان از فعالیت‌های تحریک‌آمیز و خطرناک در منطقه دست بر ندارد و به‌طور آشکار نشان ندهد که می‌تواند به‌عنوان یک بازیگر قابل اعتماد و شفاف در نظام مالی تعامل کند، در موضعی نخواهد بود که به‌طور کامل به جامعه بین‌المللی بازگردد. ایران باید تصمیم بگیرد که آیا از استانداردها و هنجارها و تعهدات بین‌المللی پیروی می‌کند یا خیر. اگر ایران از اینها پیروی نکند همچنان محیطی مخاطره‌آمیز برای هرگونه تجارت خارجی خواهد بود، ولو اینکه فرصت‌های جذابی در این کشور به وجود آمده باشد (Zarate, 2015).

برداشت‌های غربی از سیاست خارجی ایران همزمان با پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۶ شد. در حالیکه اواما رئیس جمهور سابق آمریکا همزمان با اعمال سخت‌ترین تحریم‌های دو و چند جانبه، به توافق هسته‌ای با ایران نائل آمده بود، ترامپ توافق هسته‌ای را بدترین توافق نامید و ایران را مهم‌ترین حامی تروریسم که به دنبال بی‌ثبات‌سازی منطقه‌ای است، نامید. همزمان در سطح منطقه‌ای و در حوزه نظامی، عربستان و رژیم صهیونیستی ترامپ را تشویق به اتخاذ مواضع تند علیه ایران و درگیری نظامی با ایران کردند (یزدام فام، ۱۳۹۵: ۱۵۷). دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا نهایتاً کشورش را از توافق هسته‌ای میان ایران و شش قدرت جهانی خارج کرد. او فرمانی را در تاریخ ۸ ماه می ۲۰۱۸ امضا کرد که بنا بر آن تحریم‌های هسته‌ای ایران که بر اساس برجام تعلیق شده بود، طی یک دوره زمانی برمی‌گشت. او در سخنان خود ایران را پیش‌قراول ناامنی در جهان نامید و اقدامات این کشور چون برنامه موشکی تهران و حمایت این کشور از گروه‌هایی چون حزب‌الله لبنان را زمینه‌ساز تهدیدهای جدی از سوی ایران برای جهان خواند.

۶. تغییر محیط بین‌المللی و پیامدهای منفی آن بر توسعه اقتصادی در مقطع دوم ریاست جمهوری روحانی

در دوره اول روحانی که اجماع داخلی در حمایت از انجام مذاکرات ایجاد شد و شرایط بین‌المللی هم مهیا بود با دستیابی به توافق هسته‌ای سیاست خارجی تأثیرات مثبتی بر توسعه اقتصادی داشت اما در دوره دوم و با روی کار آمدن ترامپ، تغییر محیط بین‌المللی، خروج آمریکا از برجام و شکاف در اجماع داخلی آثار مثبت سیاست خارجی بر توسعه اقتصادی به اشکال ذیل کاهش یافت:

۶-۱. ایجاد بحران ارزی

با وجود برخی زمینه‌های اجتماعی و تجربه نامطلوب قبلی از فشارهای تحریم بین‌المللی، خروج آمریکا از برجام به‌عنوان نشانه‌ای از بازگشت یکپارچه تحریم‌ها و تکرار تجربه قبلی از سوی افکار عمومی و مصرف‌کنندگان و فرصتی برای سفته‌بازی

سودآور برای صاحبان منابع مالی تلقی شد که تبعات آن ابتدا در بازار ارز سال ۱۳۹۷ هویدا شد و ریال در فاصله یک سال حداقل سه برابر کاهش یافته یافت (عبداللهی و موسوی نیک، ۱۳۹۷: ۳).

۲-۶. کاهش فرصت‌های سرمایه‌گذاری

در برنامه ششم توسعه برای خروج اقتصاد کشور از رکود، متوسط رشد اقتصادی ۸ درصد پیش‌بینی شده است. بر این اساس دستیابی به چنین نرخ رشدی به حداقل ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم در بخش‌های مهم و مولد اقتصادی کشور در طول برنامه ششم یا سالانه ۳۰ میلیارد دلار نیازمند است که دست‌کم ۴۰ درصد آن باید از منابع خارجی تامین شود (دهقانی فیروزآبادی و دامن پاک جامی، ۱۳۹۴: ۴۲). اعمال تحریم‌ها علیه ایران فرصت‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را محدود می‌سازد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران در سال ۲۰۱۸ به میزان ۵,۳ میلیارد دلار بوده که نسبت به سال ۲۰۱۷ با کاهش حدود ۳۱ درصدی مواجه شده است. طبق آخرین اطلاعات سازمان آنکتاد در سال ۲۰۱۸، سهم ایران از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آسیای در حال توسعه تنها ۵,۰ درصد بوده که نسبت به سال قبل آن ۲,۰ واحد درصد تضعیف شده است (کریمی دستنایی، تیرماه ۱۳۹۸: ۸).

۶-۳. ایجاد محدودیت‌های تجاری

یکی از روش‌های محدودیت‌های تجاری کاهش صادرات نفت است که در تحریم‌های فرا سرزمینی (ثانویه) آمریکا حذف ایران از بازار نفت هدف‌گذاری شده است. اگر چه بر اساس واقعیات بازار نفت تحقق کامل چنین هدفی دور از انتظار است، اما تحقق نسبی آن کاملاً محتمل است. برآوردهای موجود مبین کاهش ۵۰۰ هزار بشکه‌ای نفت در سناریو خوشبینانه و حدود یک میلیونی در چشم‌انداز میان مدت است. با توجه به سهم نفت در تولید ناخالص داخلی این خود به معنای کاهش قابل توجه تولید ناخالص داخلی کشور است. برخی از اقلام صادراتی ایران نظیر محصولات پتروشیمی به‌طور مستقل در لیست تحریم‌های آمریکا قرار گرفته‌اند و سایر صادرات غیرنفتی نیز به‌طور

بالقوه می‌توانند از طریق محدودیت‌های تبادلات مالی یا تحریم اشخاص حقیقی و حقوقی موجود از تحریم‌ها متأثر شوند (عبداللهی و موسوی نیک، شهریور ۱۳۹۷: ۵).

۶-۴. تاثیر بر صنعت کشور

نتایج بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که بخش‌های صنعتی به خصوص ساخت سایر تجهیزات حمل و نقل، ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم تریلر بیشترین آسیب‌پذیری از محدودیت واردات در شرایط تحریم را دارند. در مقابل بخش‌هایی نظیر نفت خام و گاز طبیعی، آب، برق و گاز، سایر معادن، خدمات و ساخت سایر محصولات کانی غیر فلزی از آسیب‌پذیری کم‌تری از محدودیت واردات در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصاد ایران برخوردار هستند. میزان تأثیرگذاری تحریم بر صنایع مختلف، متفاوت بوده است. به نحوی که در میان صنایع عمده اقتصاد ایران، صنعت خودروسازی بیشترین تأثیر را از تحریم پذیرفته و پس از آن صنایع شیمیایی و پتروشیمی قرار داشته است. تأثیرپذیری صنایع غذایی و صنایع فلزات اساسی کمتر بوده است (عبداللهی و موسوی نیک، دی ماه ۱۳۹۷: ۸).

۶-۵. تاثیر بر شاخص توسعه انسانی

می‌توان انتظار داشت که تحریم‌های یک سال گذشته و به تبع آن، کاهش قابل توجه در فروش نفت ایران، به کاهش زیاد درآمد سرانه کشورمان در سال‌های نزدیک منتهی شود و این موضوع ضمن تضعیف رتبه ایران در شاخص درآمد سرانه، می‌تواند وضعیت کلی ایران در شاخص توسعه انسانی سال‌های آتی را نیز تنزل دهد.

۶-۶. منفی شدن رشد واردات و صادرات

رشد واردات ایران از ۱۳,۹۴ درصد در سال ۲۰۱۷ به منفی ۹,۱۳ درصد در سال ۲۰۱۸ و همچنین رشد صادرات از ۱,۷ درصد در سال ۲۰۱۷ به منفی ۱۴,۸۹ درصد در سال ۲۰۱۸ کاهش یافته است. برای سال ۲۰۱۹، رشد منفی ۱۰,۵۲ درصدی در واردات و رشد منفی ۲۲,۰۱ درصدی در صادرات را پیش‌بینی شده است. گزارش تازه صندوق

بین‌المللی پول، اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۸ نرخ رشد منفی ۳٫۹ درصد را به ثبت رسانده است. البته اقتصاد ایران به‌رغم کوچک‌تر شدن نسبت به سال‌های قبل همچنان جایگاه دومین اقتصاد بزرگ منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را برای خود حفظ کرده است. صندوق بین‌المللی پول در اواسط سال ۲۰۱۸ نرخ رشد اقتصادی ایران در سال مذکور را منفی ۱٫۵ درصد پیش‌بینی کرده بود (IMF WORLD ECONOMIC OUTLOOK). ارزش تجارت ایران و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۸ بالغ بر ۱۸/۴ میلیارد یورو بوده که از این مقدار، ۹/۵ میلیارد یورو مربوط به صادرات ایران به اتحادیه اروپا و ۸/۹ میلیارد یورو مربوط به واردات ایران از اتحادیه اروپا بوده است. در سال ۲۰۱۸ صادرات ایران به اتحادیه اروپا نسبت به سال ۲۰۱۷ با کاهش ۶/۴ درصدی مواجه شده و ارزش واردات ایران از اتحادیه اروپا نیز ۱۷/۶ درصد کاهش یافته است. دو کشور ایتالیا و اسپانیا در سال ۲۰۱۸ بزرگترین مقاصد صادراتی ایران بوده‌اند و عمده واردات ایران نیز از دو کشور آلمان و ایتالیا صورت گرفته است (کریمی دستنایی، اسفند ماه ۱۳۹۷: ۲).

۱۵۵



نقش متغیرهای
فردی و بین‌المللی
در تحقق اهداف
سیاست خارجی
دولت روحانی برای
توسعه اقتصادی
ایران

۶-۷. کاهش تولید ناخالص داخلی کشور

سرانه تولید ناخالص داخلی ایران بر اساس قدرت برابری خرید، در سال ۲۰۱۸، حدود ۲۰ هزار دلار بوده که نسبت به سال ۲۰۱۷ حدود ۳۰ درصد کاهش داشته است. بر این اساس، ایران به لحاظ سرانه تولید ناخالص داخلی ایران بر اساس قدرت برابری خرید در جایگاه هفتاد و یکم در میان کشورهای جهان قرار دارد. بر اساس پیش‌بینی بانک جهانی چنانچه رشد اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۸ نیز منفی رقم شود، بعد از انقلاب اسلامی، این سومین باری است که طی دو سال متوالی، اقتصاد کشور دچار رکود می‌شود چنین شرایط مشابهی یکبار طی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۵ و بار دیگر طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲ رخ داده است (کریمی دستنایی، دی ماه ۱۳۹۷: ۲).

۷. نقش متغیرهای داخلی و بین‌المللی در میزان تاثیرگذاری سیاست خارجی بر توسعه اقتصادی کشور در دوره اعتدال‌گرایی

در دوره اول و دوم ریاست جمهوری روحانی متغیرهای داخلی و بین‌المللی به اشکال ذیل در تاثیرگذاری سیاست خارجی بر توسعه اقتصادی کشور به ایفای نقش پرداختند:

۷-۱. متغیر داخلی

تجزیه و تحلیل سیاست خارجی دولت یازدهم در چارچوب رهیافت نظری روزنا نشان می‌دهد که "متغیر فرد" تصمیم‌گیرنده در فرایند تصمیمات اصلی و باورها و فرایندهای شناختی و روانی آن‌ها، درک‌شان از مقدمات و محذورات داخلی و بیرونی نقش دارند. در همین زمینه روحانی رئیس دولت در کتاب خود با عنوان «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای» بر این نکته تاکید می‌کند که اینکه چه کسی رئیس جمهور باشد، بسیار مهم است. بنابراین نوع برداشتی که تصمیم‌گیرندگان اصلی از محیط درونی و بیرونی خود دارند و ادراکات آن‌ها از دیگری در شکل‌دهی سیاست‌ها در زمینه تاکتیک‌ها و نه استراتژی کلی نظام موثر است (فریدون و قوام، ۱۳۹۷: ۱۸۵).

روحانی و تمامی افراد مهم دیگر در فرایند تصمیم‌گیری هسته‌ای در کابینه وی، براساس ادراکات خود از محیط بیرونی و باورهای شخصی تلاش کردند تا تعامل سازنده و گفتمان اعتدال را تعیین و هژمون نمایند (رسولی ثانی‌آبادی و میرحسینی، ۱۳۹۴: ۲۴۳).

عمق بخشیدن به مناسبات با همسایگان، ارتقاء سطح رایزنی‌های دیپلماتیک با روسیه به سطح رئیس‌جمهور، آغاز مذاکرات همکاری ایران با اتحادیه اوراسیا، مدیریت بحران در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، بهبود مناسبات با قدرت‌های مؤثر اروپایی؛ عادی‌سازی مناسبات با انگلستان و مغرب و بازگشایی سفارتخانه‌ها؛ توافق با کانادا در خصوص ایجاد دفتر حفاظت منافع، توسعه و تعمیق روابط همه‌جانبه با قدرت‌های نوظهور، احیای ستاد آفریقا به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور با هدف توسعه و تحکیم روابط با این حوزه، آغاز فرآیند عضویت در بانک توسعه بریکس در سال‌های

بعد از برجام متاثر از نگاه شخصی روحانی ظهور و نمود یافت (دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی دولت، ۱۳۹۵: ۴۹).

دولت روحانی در عرصه عمل با حل مناقشه هسته‌ای به‌عنوان مهمترین مسأله‌ای که در یک دهه گذشته به امنیتی کردن سیاست خارجی کشور منجر شده بود و با برداشتن بخشی از تحریم‌های اقتصادی مرتبط با موضوع هسته‌ای، گشایش‌های قابل توجهی را در فضای روابط اقتصادی خارجی کشور ایجاد کرد و با اتخاذ سیاست تعاملی در روابط خارجی و ارائه چهره‌ای صلح‌طلب از جمهوری اسلامی ایران، به موفقیت‌های قابل توجهی در زمینه توسعه مراودات اقتصادی و پیشبرد دیپلماسی اقتصادی دست یافت. مهمترین اقدام دولت روحانی به نتیجه رساندن مذاکرات هسته‌ای و دستیابی به توافقی بود که شرایط بین‌المللی را به نفع ایران کاملاً تغییر داد. علاوه بر تثبیت حقوق هسته‌ای و گشودن باب همکاری‌های بین‌المللی با برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، به خروج ایران از فصل هفتم منشور ملل متحد منجر شد که در بیش از هفت دهه از حیات سازمان ملل اقدامی بی‌سابقه و منحصر به فرد بوده است (دامن پاک، ۱۳۹۷: ۱۲۰).

حسن روحانی در چارچوب هنجارهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران توانست با بیانی قابل فهم برای سیاستمداران و افکار عمومی بین‌المللی سخن بگوید. فرماندهی ارشد در دوران دفاع مقدس، آشنا با فرایند قانون‌گذاری به دلیل داشتن تجربه نمایندگی، عضویت در مجلس خبرنگاران رهبری، آگاهی از سازوکار سیاست‌گذاری کلان امنیتی کشور به‌علت سال‌ها دبیری شورای عالی امنیت ملی و عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، از حسن روحانی در محافل سیاسی داخلی و بین‌المللی فردی باتجربه ساخته است (عابدینی و ایزدی، ۱۳۹۶: ۲۷۷). محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه، هم که در دولت یازدهم مسئولیت مذاکرات را بر عهده داشت دارای ویژگی‌هایی است که نمایانگر چهره‌ای قابل اعتمادی برای نمایندگان ۵+۱ بود. او دیپلماتی کارکشته است. تحصیلات دانشگاهی‌اش در آمریکا و سال‌ها هم به‌عنوان دیپلمات در نمایندگی جمهوری اسلامی در نیویورک فعال بوده است. او نه فقط انگلیسی را روان صحبت می‌کند بلکه با منش سیاستمداران و رسانه‌های آمریکایی هم آشنا است. ظریف از سال

۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ در تیم مذاکراتی ایران با حسن روحانی همکار بوده است. این ویژگی‌های فردی موجب شده است هم برای دیپلمات‌های خارجی شناخته شده باشد و هم عمق اعتماد حسن روحانی به او را می‌توان از سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها دریافت. در این دوره گروه‌های ذی‌نفوذ غیررسمی، احزاب، گروه‌های فشار، رسانه و نهادهای غیررسمی در ترغیب یا انتقاد از دولت نسبت به نوع سیاست‌گذاری هسته‌ای دولت نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند. روزنامه‌های کیهان، وطن امروز، رسالت، هفته‌نامه ۹ دی و . . . در اردوگاه منتقدان فرایند گفتگوهای دولت در حوزه هسته‌ای قرار دارند. انتقاد از مذاکرات تا به حدی بالا گرفت که رهبر انقلاب اعلام کرد: «هیچ‌کس نباید مجموعه مذاکره‌کنندگان ما را سازش کار بداند، این‌ها بچه‌های خود ما و بچه‌های انقلاب‌اند. یک مأموریت سختی را برعهده دارند و هیچ‌کس نباید مأموری را که مشغول کاری است، تضعیف کند» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، ۱۳/۸/۱۳۹۲).

متغیر نقش از جمله نقش ریاست جمهوری، نقش وزیر امور خارجه و . . . می‌تواند به‌عنوان یکی از سطوح اصلی در این دوره مورد توجه قرارگیرد. در زمینه بررسی سیاست هسته‌ای دولت اعتدال نیز از این منظر می‌توان بر نقش‌های درگیر در این فرایند بدون در نظر گرفتن خصوصیات فرد و یا افرادی که آن را اشغال می‌کنند، اشاره کرد. به عنوان مثال نقش رئیس‌جمهور و حدود اختیارات و وظایف وی در زمینه سیاست‌گذاری هسته‌ای، نقش وزیر امور خارجه، تیم مذاکره‌کننده و یا نقش دبیر شورای عالی امنیت ملی و اختیاراتی که این نقش‌ها با توجه به اصول قانون اساسی در زمینه سیاست‌گذاری هسته‌ای دارند (محمدی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). اهمیت نظام دیوان سالاری سیاست خارجی از آن روی است که وزارت امور خارجه صرفاً یک دستگاه مجری سیاست خارجی نبوده و در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی نیز تاثیرگذار است؛ در راس این وزارتخانه یک وزیر قرار دارد که در اتخاذ تصمیمات کابینه از جمله در حوزه سیاست خارجی و در فرآیند تصمیم‌گیری نهادهای موثر در سیاست خارجی نظیر مجلس، مجمع تشخیص و شورای امنیت ملی نقش اساسی ایفا می‌کند. لذا در ساختار تصمیم‌گیری ایران، وزارت امور خارجه یکی از اعضای فعال در دور میز تصمیم‌گیری سیاست خارجی است. علاوه بر وزیر، کارمندان عالی رتبه سیاسی این وزارتخانه نیز به

عنوان افرادی متخصص و با قابلیت تحلیلگری مسائل سیاست خارجی، همیشه در سیاست‌گذاری مورد مشورت مجلس و نهادهای دیگر تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند. ضمن این که کادر دیپلماتیک سفارتخانه‌ها به‌عنوان نمایندگان کشور در عرصه جهانی، مسئولیت بیشتری نسبت به سایر کارمندان عالی‌رتبه حکومتی در عرصه روابط خارجی بر عهده دارند (دامن پاک جامی، ۱۳۹۷: ۱۲۵).

از سوی دیگر عامل نقش را می‌توان با نهادهای فعال در سیاست خارجی نیز مرتبط دانست. در همین راستا می‌توان این‌گونه بیان کرد که در این دوره در فرایند سیاست‌گذاری خارجی با دو دسته از نهادهای فعال روبه‌رو هستیم: دسته اول نهادها و یا نقش‌هایی هستند که طبق قوانین و رویه‌های جاری کشورها نقشی نسبتاً باثبات و مستمر در سیاست‌گذاری خارجی دارند و دسته دوم نهادها و یا نقش‌هایی هستند که متناسب با موضوعات و مسایل خاص سیاست خارجی، وارد فرایند سیاست‌گذاری خارجی می‌شوند. به‌عنوان مثال در زمینه سیاست هسته‌ای دولت ایران، نهادهایی مثل سازمان انرژی اتمی و یا تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای از جمله نقش‌ها و یا نهادهایی هستند که صرفاً به دلیل قرابت تخصصی با مسئله هسته‌ای وارد فرایند سیاست‌گذاری در این حوزه شده‌اند (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۴: ۲۴۵-۲۴۴).

در حوزه اختیارات تدوین سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران و اجرای آن عمدتاً مقام رهبری، قوه مقننه و قوه مجریه قرار گرفته است. رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس قوه قضاییه، دبیر شورای عالی امنیت ملی، وزیر امور خارجه و رئیس سازمان انرژی اتمی هم پس از رهبر معظم انقلاب اسلامی و رئیس‌جمهور از دیگر افرادی هستند که در تصمیم‌گیری هسته‌ای نقش داشته‌اند. گرچه کمیسیون‌های امنیت و سیاست خارجی و کمیسیون موقت برجام مجلس شورای اسلامی هم در این زمینه مؤثر بوده‌اند. طرح موضوع برجام در مجلس شورای اسلامی هم مدتی مناقشه برانگیز شد که رهبر انقلاب در این زمینه تصریح کرد مجلس نایستی کنار گذاشته شود اما افزود: «من در مورد حوزه بررسی و اینکه آن را رد کنند یا تصویب کند هیچ توصیه‌ای به مجلس ندارم و این نمایندگان ملت هستند که باید تصمیم بگیرند» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۶/۱۲).

مهمترین نقش‌های درگیر در فرایند سیاست‌گذاری هسته‌ای



۱۶۰

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دهم، شماره

اول، شماره پیاپی

سی و شش

بهار ۱۳۹۹

نظام سیاسی یا متغیرهای حکومتی که به جنبه‌هایی از ساختار حکومتی اشاره دارد، گزینه‌های سیاست خارجی را مقدور و یا محدود کرده و به‌طور کل بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. در این سطح از تحلیل باید برای شناخت و تجزیه و تحلیل سیاست هسته‌ای دولت اعتدال، به نوع نظام سیاسی حاکم بر ایران و تعریفی که این نظام از هویت و نقش خود در ارتباط با دنیای بیرون ارائه می‌دهد، توجه کنیم. در همین زمینه برونینگ در پژوهش خود نشان می‌دهد که تفاوت در برداشت از نقش ملی، حتی در ملت‌هایی که بسیار شبیه به یکدیگر هستند، منجر به تفاوت در نهادسازی و سیاستگذاری ملی می‌شود (Breuning به نقل از رسولی ثانی‌آبادی و میرحسینی، ۱۳۹۴: ۲۴۵).

در همین راستا با توجه به مبانی هویتی شکل‌دهنده به هویت ایران در سطح معنایی و اصول قانون اساسی، می‌توان دریافت که دولت ایران، دولتی کاملاً اسلامی و انقلابی است که با توجه به مبانی ایدئولوژیک و اسلامی خود، نقش‌های متفاوتی برای خود از جمله دولت غیرمتعهد و مستقل، دولت عدالت‌جو و ظلم‌ستیز در صحنه نظام بین‌المللی تعریف کرده

است. اما نخبگان سیاست خارجی در هر دولتی با توجه به گفتمان خاص حاکم می‌توانند از این نقش‌های تعریف شده تفسیرهای نسبتاً متفاوتی ارائه دهند (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۰). در ارزیابی متغیر جامعه (شامل جنبه‌های غیرحکومتی، افکار عمومی و جهت‌گیری‌های ارزشی عمده) در این دوره در بررسی سیاست خارجی دولت اعتدال باید به جهت‌گیری‌های ارزشی مردم ایران نسبت به موضوع هسته‌ای توجه داشت. به طوریکه در مقطع اول این دوره افکار عمومی خواهان گفتگو با غرب و لغو تحریم‌ها شده و به جای تأکید بر امنیت هستی-شناسانه و هویتی خود، به امنیت فیزیکی و اقتصادی توجه می‌کنند و یا اینکه افکار عمومی در مقطه دوم ریاست جمهوری این دوره پس از خروج ترامپ از برجام بر حقوق کامل خود در زمینه هسته‌ای پافشاری کنند و در این راه حتی حاضر به تحمل تحریم‌ها هستند، تأثیر بسیار زیادی بر جهت‌گیری‌های هسته‌ای ایران داشته است.

۱۶۱



نقش متغیرهای فردی و بین‌المللی در تحقق اهداف سیاست خارجی دولت روحانی برای توسعه اقتصادی ایران

۲-۷. متغیر بین‌المللی

در دوره دوم ریاست جمهوری روحانی در چارچوب رهیافت نظری روزنا مشاهده می‌شود که "متغیر بین‌المللی" بر میزان تأثیر سیاست خارجی ایران بر توسعه اقتصادی به ایفای نقش می‌پردازد. روزنا در بیان سطوح مختلف تجزیه و تحلیل سیاست خارجی در کنار سطوح خرد، نقش و عامل محیطی و بیرونی را در مقدمات و محذورات محیطی به‌عنوان سطح تحلیل موثر می‌داند. واکنش کشورها یا نهادهای بین‌المللی و دولت‌ها که بازیگر اصلی در برخورد با برنامه و توافق هسته‌ای ایران هستند مهم می‌باشد. با تغییر شرایط بین‌المللی و خروج آمریکا از برجام و در نتیجه برگشت تحریم‌های ثانویه از سوی این کشور و اعمال سخت‌ترین تحریم‌ها عملاً میزان تأثیرگذاری سیاست خارجی بر توسعه اقتصادی ایران کاهش می‌یابد. هرچند رویکرد سیاست خارجی روحانی تغییر نکرده ولی دولت دوازدهم ناچار می‌شود که در مقابل خروج آمریکا از برجام و نقض این توافق هسته‌ای اقدامی انجام دهد. روحانی، روز چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ و در یک سالگی خروج آمریکا از برجام، رسماً تصمیم خود جهت کاهش برخی از تعهدات در برجام را اعلام کرد (تابناک، ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸). همزمان با کاهش تعهدات برجامی ایران، مناقشه ایران و آمریکا به سطح منطقه‌کشانده شده و اوضاع منطقه بیش از گذشته ملتهب شده و رنگ و بوی برخورد نظامی بین ایران و آمریکا به خود گرفت.

نتیجه‌گیری

دولت‌های مختلف پس از انقلاب همواره اعلام کرده‌اند که به مسائل اقتصادی اهتمام می‌ورزند، در این خصوص دولت اعتدال‌گرای روحانی در برنامه‌های اعلامی خود توجه ویژه‌ای به اقتصاد محورکردن سیاست خارجی از طریق تعامل سازنده و مؤثر با جهان را داشته است. از طرفی ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و واگذاری مسئولیت‌ها در این خصوص به وزارت امور خارجه، اهمیت توجه به دیپلماسی اقتصادی براساس ظرفیت‌های داخلی (درون‌زایی اقتصادی) و تعامل در روابط اقتصادی خارجی (برون‌گرایی اقتصادی) را در دولت اهمیتی مضاعف بخشیده است.

با توافق هسته‌ای، مهم‌ترین اقدام در جهت غیرامنیتی کردن کشور و ارائه تصویری صلح طلب از کشور صورت پذیرفت و با این اقدام شرایط برای به‌کارگیری دیپلماسی موفق اقتصادی در دوره پساتحریم فراهم شد. فضای شکل گرفته بعد از توافق هسته‌ای و توسعه روابط اقتصادی ایران باعث شد تا سیاست خارجی در راستای توسعه اقتصادی کشور نمایان شود. در دوره اول ریاست جمهوری روحانی، سیاست خارجی متأثر از دیدگاه تعامل‌گرای روحانی و اجماع داخلی در حمایت از توافق هسته‌ای و با مهیا شدن شرایط بین‌المللی، تأثیرات مثبتی برای توسعه اقتصادی ایران داشت. نگاه توسعه‌گرایانه روحانی در سیاست خارجی منجر به توسعه متوازن روابط و مناسبات خارجی ایران با کشورهای و مناطق جغرافیایی با توجه به وزن و تأثیرشان در روابط بین‌الملل شد. از این‌رو جمهوری اسلامی ایران، روابط دوجانبه و چندجانبه خود را از طریق تعامل معنادار با گستره وسیعی از دولت‌ها و سازمان‌ها، از جمله نهادهای اقتصادی بین‌المللی، بسط داده و تعمیق داد. بر این اساس تجزیه و تحلیل سیاست خارجی دولت یازدهم در چارچوب رهیافت نظری روزنا نشان می‌دهد که "متغیر فرد" تصمیم‌گیرنده در فرایند تصمیمات اصلی و باورها و فرایندهای شناختی و روانی آن‌ها، درک شان از مقدرات و محدودرات داخلی و بیرونی به ابقای نقش می‌پردازد.

در دوره دوم ریاست جمهوری روحانی، با روی کار آمدن ترامپ در آمریکا و خروج وی از برجام، محیط بین‌المللی به‌ضرر ایران تغییر یافته و تحریم‌های سخت و هوشمندی علیه کشورمان اعمال شده است. در عرصه روابط خارجی، چالش‌های مربوط به تشدید سیاست‌های ضد ایرانی آمریکا، امنیتی‌سازی محیط کنشگری خارجی ایران و ادامه تنش‌ها در مناطق پیرامونی، سیاست

خارجی ایران را وارد فضای جدیدی کرده است. این امر شروع دوره‌ای از آثار منفی قابل توجه سیاست خارجی بر توسعه اقتصادی کشورمان را در پی داشته است.

مجموعه آنچه در طول چند سال گذشته در دوره ریاست جمهوری روحانی بر سیاست خارجی گذشته نشان می‌دهد که موفقیت اثرگذاری سیاست خارجی بر توسعه اقتصادی ایران بستگی به رویکرد دولت و همسویی محیط بین‌المللی دارد و فقدان این متغیرهای مثبت فردی و بین‌المللی موجب ناکامی سیاست خارجی در تحقق اهداف توسعه اقتصادی کشور خواهد شد.

۱۶۳



نقش متغیرهای فردی و بین‌المللی در تحقق اهداف سیاست خارجی دولت روحانی برای توسعه اقتصادی ایران

منابع

پایگاه خبری بهار. (۹۵/۶/۲). ارتقای جایگاه ایران در نظام بین‌الملل: دستاوردهای سیاست خارجی دولت یازدهم.

تابناک (۹۸/۲/۱۸)

بامری، مسلم. (۱۳۹۷). «برجام و تاثیر آن بر مناسبات اقتصادی ج.ا.ایران»، *مجله بین‌المللی پژوهش بین‌المللی*، دوره ۳ شماره ۳۰.

برزگر، کیهان. (۱۳۹۷). «راهبرد سیاست خارجی ایران در توازن قوای منطقه‌ای»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۲۱.

پوراحمدی، حسین. (۱۳۸۶). *مبانی نظری سیاست خارجی توسعه‌گرا*، مجموعه مقالات کنفرانس ملی چشم‌انداز بیست ساله و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

جمشیدی، محمد و ایرج الهی دهقی. (۱۳۹۳). «ارائه الگوی تحلیل محیط راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۸۶، تابستان.

دانش‌نیا، فرهاد. (۱۳۹۱). «دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی توسعه‌گرا ابزارهای موفقیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران در اقتصاد جهانی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن*، شماره ۹.

دامن‌پاک جامی، مرتضی. (۱۳۹۷). «تحول دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، بررسی دستاوردهای چهار دهه گذشته و چالش‌های پیش‌رو»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۳۲، شماره ۴.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و مختار صالحی. (۱۳۹۱). «دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران زمینه‌ها و چالش‌ها (با تاکید بر ۵ شاخص جهانی شدن اقتصاد)»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال ۱۷، ش ۵۲.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و مرتضی دامن‌پاک جامی. (۱۳۹۴). «جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی دولت یازدهم»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۹، شماره ۱.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۲ آبان ماه ۱۳۸۸). «چارچوب تحلیلی جیمز روزنا برای تحلیل سیاست خارجی ایران مناسب است»، *مصاحبه با خبرگزاری مهر*.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۹۳). «گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۸، شماره یک.

رسولی ثانی‌آبادی، الهام و میرحسینی. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل شکل‌دهنده به سیاست هسته‌ای دولت اعتدال»، *فصلنامه راهبرد*، سال ۲۳، شماره ۷۴.

روحانی، حسن. (۱۳۹۶). «دوباره ایران، برنامه دولت دوازدهم، آزادی و امنیت؛ آرامش و پیشرفت» اردیبهشت.

روزنا، جیمز. (۱۳۸۴). *آشوب در سیاست جهان، نظریه‌ای درباره دگرگونی و پیوستگی*، مترجم علیرضا طیب، تهران: انتشارات روزنه.

سریع‌القلم، محمود. (۱۳۹۰). «مفهوم قدرت و عملکرد سیاست خارجی: مقایسه چین و ایران»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال ۳، شماره ۱.

شاپوری، مهدی و دیگران (۱۳۹۶). «نسبت امنیت و توسعه؛ الزامات سیاست خارجی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۲۰، شماره ۲.

صبوری، ضیاءالدین و تاج‌الدین صالحیان. (۱۳۹۶). «بررسی راهبردی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهش بین‌الملل*، دوره ۱، شماره ۲۴.

عمادی، سیدرضا. (۱۳۹۷). «چهل سال سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ سیاست خارجی در دولت تدبیر و امید»، *پارس تودی*، دی ماه.

فریدون، حسین و عبدالعلی قوام. (۱۳۹۷). «عوامل موثر بر گفتمان اعتدال در سیاست‌گذاری عمومی؛ مطالعه موردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر پیش‌نظریه

جیمز روزنا»، *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۴، شماره ۱.

قنبرلو، عبدالله. (۱۳۹۲). «تعامل استراتژی اقتصادی و سیاست خارجی در ایران معاصر»، *مجله پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، شماره ۴ پاییز.

کریمی دستنایی، طاهره. (۱۳۹۷). «روابط تجاری ایران و اروپا»، *اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران*، معاونت بررسی‌های اقتصادی، اسفند ماه.

کریمی دستنایی، طاهره. (۱۳۹۷). «دور شدن از روند بلندمدت رشد»، *اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران*، معاونت بررسی‌های اقتصادی، دی ماه.

کریمی دستنایی، طاهره. (۱۳۹۸). «وضعیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و جهان در سال ۲۰۱۸»، *اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران*، معاونت بررسی‌های اقتصادی، تیر ماه.

کولایی، الهه و طیبه واعظی. (۱۳۹۱). «تحول سیاست خارجی و توسعه اقتصادی در هندوستان»، *فصلنامه روابط خارجی*، شماره ۱.

گرجی ابراهیم. (۱۳۸۰). «مقایسه آثار سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دولتی در رشد اقتصادی». *مجله تحقیقات اقتصادی*. شماره ۵۴.

گزارش آمار بانک مرکزی، ۱۳۹۵

گزارش دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی دولت، ۱۳۹۵

مرکز تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام. (۱۳۸۴). «چالش‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران»، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گروه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل.

موتقی، سیداحمد. (۱۳۸۶). «توسعه و سیاست خارجی توسعه‌گرا»، *مجموعه مقالات کنفرانس ملی چشم‌انداز بیست ساله و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا*، تهران پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

موسوی شفاعی، سیدمسعود. (۱۳۸۶). «دیپلماسی اقتصادی، ابزار نوین سیاست خارجی در عصر جهانی شدن»، *پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی*، سال ۲، شماره ۹.

موسوی نیک، سیدهادی و محمدرضا عبداللهی. (۱۳۹۷). «تحلیل بخش حقیقی اقتصاد ایران ۱۰»، مرکز پژوهش‌ها، مجلس شورای اسلامی، شهریور.

- موسوی نیک، سیدهادی و محمدرضا عبداللهی. (۱۳۹۷). «تحلیل بخش حقیقی اقتصاد ایران ۱۱»، مرکز پژوهش‌ها، مجلس شورای اسلامی، دیماه.
- میرزایی تبار، میثم و دیگران. (۱۳۹۴). «تبیین رابطه فرهنگ سیاسی و توسعه اقتصادی»، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- نوروزی، حسین. (۱۳۸۷). «اقتصاد جهانی و دیپلماسی اقتصادی کشورهای در حال توسعه؛ ظرفیت‌های پردازش گفتمانی و قاعده‌سازی»، پژوهش‌نامه دیپلماسی اقتصادی. واعظی، محمود و دیگران. (۱۳۹۳). راهبرد سیاست خارجی برای ارتقای جایگاه اقتصادی ج.ا.ایران در شرایط جدید بین‌المللی، تهران: نشر اتاق بازرگانی.
- ولی‌زاده، اکبر. (۱۳۹۰). «رهیافت‌ها و نظریه‌های کارایی تحریم در اقتصاد سیاسی بین‌المللی»، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱.
- یزدان فام، محمود. (۱۳۹۵). «سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۹، شماره چهارم.
- Hsu, Sara. (2016). "China's Relations With Iran: A Threat to the West?" **the diplomat. human development statistical 2018.** http://hdr.undp.org/sites/default/files/2018_human_development_statistical_update.pdf.
- IMF World Economic Outlook October 2017 .**
- Katzman, Kenneth. (2016). "Iran's Foreign Policy", **Congressional Research Service.**
- levit, Matthew. (2016). "Iran's Support for Terrorism Under the JCPOA" , **Washington institute.**
- Phillips, James. (2015). "The Dangerous Regional Implications of the Iran Nuclear Agreement" , **heritage.**
- Ruff, Abdul. (2016). "Growing Russia-Iran military relations: An illusion?" , **foreignpolicynews.**
- Torabi, Nima. (2016). "JCPOA : Rouhani's true worth and implications for businesses in Iran" , **Inkedin.**
- Zarate, Juan (2015). "The Implications of Sanctions Relief under the Iran Agreement", **Center for Strategic and International Studies.**
- Zarif, Mohammad Javad. (2014). "What Iran Really Wants: Iranian Foreign Policy in the Rouhani Era", **Foreign Affairs** Vol. 93, No. 3